

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم به:

هَدَاةً مَهْدِیَّین، ماه‌های فروزان
و چراغ‌های تابان عالم امکان که مهدّبین درگاه
الهی‌اند

و به امید
ظهور رکن اصیل مجد و شرافت از این سلاله پاک،
فرزند براهین واضح و مجع بالغ

مبانی حقوق خانواده در اسلام و غرب

مؤلفان:

دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام

عاطفه ذبیحی بیدگلی

دانش آموخته دانشگاه امام صادق علیه السلام



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: مبانی حقوق خانواده در اسلام و غرب
تألیف: دکتر فائزه عظیمزاده اردبیلی و عاطفه ذبیحی بیدگلی
تهیه شده: در دفتر نشر آثار علمی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام - پردیس خاوران
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام
ویراستار ادبی و صفحه‌آرا: محمد روشنی
طراح جلد (یونیفرم): محمدحسین بصیری
نمایش‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا
چاپ و صحافی: مجتمع چاپ و صحافی برتر
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۲۳۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۰۳-۱

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • E-mail: press@isu.ac.ir

سرشناسه: عظیمزاده اردبیلی، فائزه، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور: مبانی حقوق خانواده در اسلام و غرب / تألیف: فائزه عظیمزاده اردبیلی و عاطفه ذبیحی بیدگلی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۴۱۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۰۳-۱
شناسه افزوده: ذبیحی بیدگلی، عاطفه، ۱۳۶۵ - همکار
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۵۸۰۶۹

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشران.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
بخش نخست: مبانی حقوق خانواده در غرب.....	۱۷
فصل نخست: منزلت و ماهیت حقوق انسانی زن و مرد و کارکرد خانواده در اندیشه متفکران غربی.....	۱۹
بررسی سیر تطور تاریخی حقوق انسانی زن و مرد در جوامع غربی.....	۲۰
دیدگاه افلاطون.....	۲۷
دیدگاه ارسطو.....	۳۴
دیدگاه روسو.....	۳۹
دیدگاه کانت.....	۴۶
دیدگاه نیچه.....	۵۱
فصل دوم: مبانی و ایدئولوژی های فکری غرب در نگرش به خانواده.....	۵۹
فمینیسم.....	۶۰
اومانیسم.....	۶۷
سکولاریسم.....	۷۴
عقل گرایی و تجربه گرایی.....	۸۰
فردگرایی.....	۸۷
لیبرالیسم.....	۹۵
فصل سوم: بازتعریف مفهوم خانواده با ظهور نظریات فمینیستی.....	۱۰۱
مبحث نخست: جریان شناسی فمینیسم.....	۱۰۲

۱۰۳.....	موج اول فمینیسم (۱۸۴۸-۱۹۲۰).....
۱۱۰.....	موج دوم فمینیسم.....
۱۱۷.....	موج سوم فمینیسم.....
۱۲۱.....	گرایش فمینیسم لیبرال.....
۱۲۸.....	گرایش فمینیسم مارکسیستی.....
۱۳۳.....	گرایش فمینیسم رادیکال.....
۱۳۸.....	گرایش فمینیسم سوسیالیست.....
۱۴۲.....	گرایش فمینیسم پست مدرن.....
۱۴۶.....	مبحث دوم: آموزه‌های فمینیستی.....
۱۴۷.....	برابری و تساوی.....
۱۵۷.....	خانواده و مفهوم مادری و تولیدمثل.....
۱۶۵.....	سیاست، علم و معرفت‌شناسی فمینیستی.....
۱۷۱.....	اخلاق فمینیستی.....
۱۷۷.....	بخش دوم: مبانی حقوق خانواده در اسلام.....
۱۷۹.....	فصل نخست: مبانی انسان‌شناختی حقوق دو جنس زن و مرد در مکتب اسلام.....
۱۸۰.....	زمینه‌های ظهور اسلام و بررسی مفهوم خانواده.....
۱۸۳.....	ماهیت و مفهوم خانواده در متون اسلامی.....
۱۸۳.....	مفهوم عقد نکاح.....
۱۸۵.....	تعریف خانواده.....
۱۸۹.....	غایت‌مداری هستی و فرجام‌باوری.....
۱۸۹.....	الف. خلقت هدفمند هستی.....
۱۹۱.....	ب. هدف‌مداری آفرینش انسان.....
۱۹۶.....	خلیفة‌اللهی انسان.....
۱۹۷.....	تبیین مفهوم خلافت انسان.....
۱۹۸.....	کرامت انسانی.....
۲۰۲.....	وحدت نوع زن و مرد.....
۲۰۲.....	خلقت انسان از نفس واحد.....
۲۰۵.....	آثار مترتب بر اشتراک در انسانیت.....

فهرست مطالب □ ۷

۲۰۹.....	تفاوت تکوینی میان دو جنس.....
۲۰۹.....	الف. تفاوت‌های بیولوژیک.....
۲۱۰.....	ب. تفاوت‌های روان‌شناختی.....
۲۱۲.....	بررسی شبهه نقصان عقل زنان.....
۲۱۷.....	تناسب میان تکوین و تشریع.....
۲۱۸.....	شمول هدایت تشریعی.....
۲۲۰.....	جایگاه تفاوت‌ها در نظام تشریع.....
۲۲۴.....	تعاون اجتماعی و نقش تکمیلی زن و مرد.....
۲۲۴.....	تسخیر متقابل.....
۲۲۵.....	مکمل بودن دو جنس.....
۲۳۱.....	فصل دوم: بنیان‌های فکری مکتب اسلام در تدوین قواعد حقوقی حاکم بر روابط اعضای خانواده.....
۲۳۲.....	تناسب محوری مبتنی بر عدالت‌مداری.....
۲۳۲.....	تبیین مفهوم عدالت.....
۲۳۴.....	جایگاه معیار عدالت در تشریع.....
۲۴۰.....	تقدس خانواده و لزوم حفظ و تحکیم بنیان خانواده.....
۲۴۰.....	شکل‌گیری و تداوم بنیان خانواده.....
۲۴۳.....	تعاملات اعضای نهاد خانواده.....
۲۴۵.....	محوریت اخلاق در نگرش به خانواده.....
۲۴۷.....	کارکرد اخلاق در حقوق خانواده.....
۲۵۴.....	مصلحت‌اندیشی در تدوین قواعد.....
۲۵۶.....	تبیین مفهوم مصلحت.....
۲۵۷.....	جایگاه مصلحت در نظام قانون‌گذاری.....
۲۶۱.....	بخش سوم: مؤلفه‌های فلسفه حقوق خانواده در اندیشه غربی و نصوص اسلامی.....
۲۶۳.....	فصل نخست: مؤلفه‌های عمده فلسفه حقوق خانواده در غرب.....
۲۶۴.....	مبحث نخست: نوع نگرش به هویت جنسیتی.....
۲۶۵.....	تغییر در نگرش به هویت جنسیتی.....
۲۶۷.....	شکل‌گیری روحیه مردستیزی.....
۲۶۹.....	اختلال در هویت زنانه.....

پیامدهای تغییر نگرش به هویت جنسیتی.....	۲۷۴
الف. گرایش زنان به الگوهای رفتاری ناپسند مردانه.....	۲۷۵
ب. ایجاد دیدگاه جنسی نسبت به زنان.....	۲۷۵
ج. قرار گرفتن زنان در موقعیت‌های شغلی نامناسب و آزار جنسی علیه آنان.....	۲۷۷
د. از بین رفتن حمایت‌های سنتی از زنان و کمرنگ شدن نقش مادری.....	۲۷۹
مبحث دوم: پیدایش ساختارهای نوین خانواده.....	۲۸۲
تغییر در الگوی خانواده و پذیرش ساختارهای نوین آن.....	۲۸۳
همزیستی مشترک بدون ازدواج.....	۲۹۱
خانواده تک‌والدی.....	۲۹۸
ازدواج همجنس‌گرایی.....	۳۰۷
مبحث سوم: جایگزینی کارکردهای خانواده.....	۳۱۶
تغییر در نقش کارکردی خانواده.....	۳۱۷
الف. تنظیم رفتار جنسی.....	۳۱۸
ب. تولیدمثل.....	۳۱۸
ج. حمایت و مراقبت.....	۳۲۰
د. جامعه‌پذیری.....	۳۲۱
ه. عاطفه و همراهی.....	۳۲۱
و. تأمین پایگاه اجتماعی.....	۳۲۲
استغناء تدریجی از کارکرد مشروعیت.....	۳۲۶
مشروعیت روابط جنسی.....	۳۲۶
مشروعیت تولید مثل.....	۳۳۱
تحمیل هزینه‌های گزاف بر دولت در نگهداری از کودکان ناخواسته و نامشروع.....	۳۳۲
افزایش آمار سقط جنین.....	۳۳۳
انتقال نسبی کارکردهای حمایتی خانواده به نهادهای اجتماعی و پیامدهای آن.....	۳۳۷
فصل دوم: مؤلفه‌های عمده فلسفه حقوق خانواده در اسلام.....	۳۴۷
پیش‌بینی کارکردهای حمایتی و مراقبتی برای خانواده.....	۳۴۸
الف. حمایت و مراقبت اقتصادی.....	۳۴۹
ب. حمایت و مراقبت عاطفی و روانی.....	۳۵۰
ج. حمایت و مراقبت تربیتی.....	۳۵۱
مدیریت خانواده.....	۳۵۶

فهرست مطالب □ ۹

۳۵۷.....	تبیین قوامیت.....
۳۶۱.....	گستره اختیارات و اصول مدیریت در نهاد خانواده.....
۳۶۷.....	ارائه الگوی خانواده متعالی.....
۳۷۴.....	رژیم مالی حاکم بر خانواده.....
۳۷۷.....	منابع و مأخذ.....
۴۰۱.....	نمایه.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ».
(قرآن کریم، سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۱۶۴)

سخن ناشران

حمد و ثنا خداوند بزرگ و ذات احدیت را که امتیاز و درجه عالمان و دانشمندان را در نزدیکی به جایگاه پر عظمت خویش قرار داد، همو که در این آیه شریفه بر مؤمنین منت نهاد آنگاه که از خودشان رسولی را برانگیخت تا برای آنان آیات وحی بخواند و ایشان را بشارت و بیم دهد. به راستی مرتبت علم و دانش و فضل و معرفت نزد خدا در جایگاهی قرار دارد که احدیت به واسطه اعطاء آن به آدمی بر بشریت منت نهاده است.

خداوند را شاکریم که در عصری که هنوز در برخی کشورهای جهان، زنان را واجد شرایط شرکت در محافل سیاسی، اجتماعی و علمی نمی‌دانند، خواهران گرامی ما در عرصه علم و تحقیق و پژوهش پیش می‌تازند و به جهت اراده استوار خویش اندیشه‌ها را به تکاپو و قلم‌ها را به حرکت وا می‌دارند (آیت‌الله مهدوی کنی رحمته‌الله).

این توفیق الهی است که یک مرکز داعیه‌دار علم و دانش بتواند در دستیابی به اهداف بلند خود، برنامه‌های خویش را بر مدار معرفت و دانایی قرار دهد، چرا که علم و معرفت از چنان قدر و منزلت و عظمتی برخوردار است که باید گام نهادن در مسیر آن را از الطاف الهی دانست. دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (پردیس خواهران) طی سالیان گذشته افتخار این را داشته که در این راستا گام‌هایی برداشته و افق بلندی را در

چشم‌انداز علمی خود پیش رو دارد که البته برخی فعالیت‌ها به‌صورت راهبردی یعنی درازمدت و برخی فعالیت‌ها به‌صورت میان‌مدت و کوتاه‌مدت بوده است. از جمله فعالیت‌های این مرکز در بخش‌های علمی و آموزشی و پژوهشی، به انجام رسانیدن برخی طرح‌ها، پژوهش‌ها و انتشار آن در قالب کتاب می‌باشد که اهداف متعالی دانشگاه را در دستیابی به رویکردهای تعیین شده به پیش خواهد برد. در این راستا الگوی اسلامی ایرانی رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر اهداف متعالی و بلند نظام جمهوری اسلامی، از رویکردهای نوینی است که در رسیدن به فعالیت‌های برنامه‌ای مورد توجه واقع می‌شود.

معاونت پژوهشی از زمان تشکیل تاکنون به این مهم توجه داشته و برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را به انجام رسانیده است. این معاونت تلاش دارد با عمق بخشیدن به این فعالیت‌ها و تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی در راستای محقق نمودن پژوهش‌های علمی، راهبردی و کاربردی دانشگاه گام‌هایی را بردارد؛ و مطابق با ساختار علمی دانشگاه به‌عنوان سازمانی دانش بنیان، برنامه‌محور، توسعه‌گرا و تحول‌مدار برای پاسخ‌گویی به نیازهای رو به رشد جامعه فراگیران خود، تلاش دارد با نیازسنجی و پاسخ‌گویی به مطالبات به پژوه‌های علمی خود به‌ویژه در شاخه‌های مطالعات زنان با گرایش‌های نسل جوان پاسخ دهد.

خوشبختانه این فعالیت مورد استقبال اساتید، دانشجویان و برخی محیط‌های علمی در استفاده و بهره‌برداری از برخی کتب چاپ شده بوده است. از کلیه کسانی که ما را در این مسیر یاری نموده‌اند تشکر و تقدیر نموده و از همه محققان و فرهیختگان گرامی جهت همکاری در امور علمی پژوهشی دعوت می‌نماییم.

اداره کل پژوهش

حوزه معاونت پژوهشی و فناوری

پردیس خواهران

مقدمه

اصولاً هر بینش و نگرشی به پدیده‌های هستی، بر مجموعه‌ای از بنیان‌های فکری و فلسفی ویژه استوار است که با تکیه بر آن مبانی، به تبیین و تحلیل پدیده‌ها پرداخته و در جهت ضابطه‌مند نمودن روابط میان آن‌ها، به طراحی و ترسیم نظام اقدام می‌نماید. این روند به روشنی در مکاتب مختلف فکری قابل مشاهده است. به بیان دیگر، هر ساختار و نظامی که در دنیای اندیشه و عمل شکل می‌گیرد؛ بر مبانی استوار است که بیانگر موضع‌گیری‌های کلی آن نظام می‌باشد.

یکی از نظام‌هایی که در عرصه زندگی اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ نظام حقوقی خانواده می‌باشد که طبیعتاً این نوع نظام نیز از قاعده مذکور مستثنا نخواهد بود. به عبارتی، اگر در محورهای واحد همچون خانواده، شاهد تفاوت‌های بنیادین در نظام‌های حقوقی هستیم؛ باید علت این تفاوت‌ها را در مبانی فکری و عقیدتی طراحان این سیستم‌ها جویا باشیم. چه‌بسا در نظام‌هایی که پردازنده آن‌ها عقل بشری است با تجدیدنظر در مبانی اتخاذی به تبع پیدایش رخدادهای تاریخی و تغییر فرهنگ‌ها و شیوه زندگی، دگرگونی‌های عمده در ساختار نظام پدید آمده است. دگرگونی نظام حقوقی خانواده در غرب در مقایسه با نظام حقوقی حاکم بر خانواده در مکتب اسلام، به روشنی گویای این مدعاست. چنین تفاوت‌های بنیادینی، لزوم بررسی و مقایسه مبانی حاکم بر نظام حقوقی خانواده در مکتب اسلام و مکاتب غربی را پدیدار می‌نماید؛ تا بدین وسیله بتوان به پاسخ این مسأله نائل آمد که هر یک از این ساختارها چه تأثیرات و پیامدهایی را برای بنیان خانواده به همراه داشته است؟

بدین منظور برای درسی که تحت عنوان مبانی حقوق خانواده در اسلام و غرب در رشته کارشناسی ارشد حقوق خانواده مصوب شده تصمیم گرفتیم کتابی بنویسیم که به زیرساخت‌های فکری نظام حقوقی کشورهای غربی و نظام حقوقی اسلام با تکیه بر قوانین موضوعه ایران پردازد و رویکرد فلسفه حقوقی داشته باشد. عنوان این کتاب دقیقاً عنوان واحد درسی مصوب است. با توجه به این که شکل‌گیری جریان‌های فکری ادوار مختلف در جوامع غربی، قانونگذار را به ترسیم ساختار کنونی سمت و سو داده و نظام حقوقی کشورهای اروپایی و آمریکایی در مسائل زنان و خانواده، متأثر از جنبش‌های فکری چون فمینیسم رو به تغییر نهاده است؛ لذا این جریان‌ها و جنبش فکری نیز مورد مذاقه قرار گرفت.

در راستای ارائه تعریف جامع از نظام حقوقی باید اذعان داشت که نظام حقوقی مجموعه‌ای از اصول، قواعد، سازمان‌ها و نهادهای حقوقی هماهنگ و مرتبط است که بر اساس روشی تعریف شده از منابعی خاص استخراج یافته و تفسیر گردیده، بر پایه مبانی ویژه‌ای استوار بوده و در بستر تاریخی و فرهنگی خاصی شکل گرفته است و اهداف تعریف شده‌ای چون نظم و عدالت را دنبال می‌کند. این مجموعه به‌گونه‌ای است که برای وضعیت‌های مختلف راه‌حل ارائه می‌کند و قابلیت انطباق با اوضاع و احوال گوناگون را دارد.^۱ در این راستا، آن چه قانون‌گذار را در وضع مقررات و استنباط احکام جدید یاری می‌کند، کشف مبانی و اهدافی است که در آن نظام حقوقی مورد نظر بوده است؛ لذا مقررات حقوقی به خاطر تحقق آن اهداف و بر اساس آن مبانی وضع می‌گردد.^۲

با توجه به تعریف مذکور مبانی یک نظام، در شکل‌گیری و پیشبرد آن نقش عمده ایفا می‌کند؛ لذا لازم است مقصود از «مبانی» روشن گردد. واژه «مبنا» در دانش حقوق عبارت است از نیروی الزام‌آور حقوق و مقامی که ارزش قواعد حقوق را تأمین می‌کند و پایه همه قواعد آن به شمار می‌آید.^۳ بدین گونه که نظام حقوقی مبتنی بر آن و قواعد و مقررات حقوق بر اساس آن وضع می‌گردد. بنابراین نیرو و جاذبه‌ای را که پشتیبان

۱. حکمت‌نیا، محمود، *فلسفه نظام حقوق زن*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۹۰، ص ۶۳.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *درآمدی بر حقوق اسلامی*، سمت، چاپ نخست، ۱۳۶۸، ص ۱۶۸.

۳. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی خانواده*، بازارچه کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱.

قانون است و آدمی را به اجرای آن وامی دارد، «مبنای حقوق» نامند.^۱ این مفهوم در فقه تحت عنوان «ملاکات احکام» یاد می‌شود.^۲ حقوق‌دانان ویژگی‌هایی برای مبانی برشمرده‌اند که لحاظ آن‌ها در جریان استخراج و دستیابی به مبانی نظام حقوقی می‌تواند راهگشا باشد:

- الف. مبانی حقوق همیشه از کلیت وسیعی برخوردار است؛ لذا عملاً همواره تعداد مبانی در هر نظام حقوقی محدود خواهد بود؛
- ب. مبانی حقوق از نظر حقوق‌دانان وضع شدنی نیست؛ لذا اطلاق قانون یا قاعده بر آن‌ها صحیح نیست؛
- ج. در موارد ابهام یا سکوت قانون، مبانی حقوق از جنبه‌های راه‌گشایی برخوردار می‌باشند؛ زیرا قوانین و مقررات با توجه به این مبانی و بر اساس آن‌ها وضع می‌گردد؛
- د. مبانی حقوق منشأ الزامی بودن قواعد و مقررات اجتماعی به شمار می‌روند، به این معنا که حقوق تا حدود زیادی مشروعیت و الزامی بودن خود را از این مبانی به‌دست می‌آورد. هر یک از نظام‌های حقوقی (دینی یا غیردینی) بر اساس اهداف و مبانی مخصوص به خود استوار می‌باشد و حقوق‌دان نیز با کشف این ارزش‌ها و معیارهای مورد نظر و خط‌مشی کلی آن به تأمین نیازمندی‌های حقوقی می‌پردازد.^۳

باید توجه داشت که مبانی حقیقی حقوق، اراده قانون‌گذار تلقی می‌شود. این مبنا در حقوق اسلامی که بر محور توحید استوار است؛ همان اراده تشریعی خداوند است که از طریق وحی به بشر عرضه می‌شود. اراده مقنن به‌عنوان مبانی حقوق، خود بر مبانی عرضی و ثانویه استوار است. به‌عنوان مثال، می‌توان اصل عدالت یا عدم تنافی با عدالت را به‌عنوان مبانی عرضی و ثانوی قواعد و مقررات نظام حقوقی اسلام دانست. پژوهش پیش‌رو مترصد استخراج این مبانی در نظام‌های حقوقی اسلام و غرب در حوزه خانواده است. در این زمینه، منابع حقوقی برخی کشورهای غربی با عنایت ویژه به کشورهای فرانسه، آمریکا و انگلیس به‌عنوان پیشگامان تحولات حقوقی در حوزه خانواده در پرتو فعالیت‌های فمینیستی، مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. جهت کشف

۱. کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و یکم، ۱۳۷۵، ص ۷.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *درآمدی بر حقوق اسلامی*، ص ۱۷۴.

۳. کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.

مبانی حقوق اسلام نیز کتاب و سنت و نظریات فقها به عنوان منابع حقوق اسلامی راهگشا خواهد بود. نکته حائز اهمیت در استخراج مبانی حقوق خانواده در هر نظام این است که با توجه به این که شاکله اصلی خانواده با زن و مرد به وجود می آید، نوع نگرش هر مکتب به زن در کنار مرد در طراحی سیستم های حقوقی نقشی کلیدی ایفا می نماید. بدین ترتیب با درک جایگاه و نقش زن در برابر مرد در جوامع مختلف به عنوان عضوی از خانواده، می توان بر مبانی حقوقی این مکاتب وقوف پیدا کرد.

با توجه به اینکه اینجانب از بدو تأسیس تاکنون سالهاست در رشته حقوق خانواده در مقطع کارشناسی ارشد توفیق تدریس درسی تحت عنوان «مبانی حقوق خانواده در اسلام و غرب» را داشته ام؛ با عنایت به سرفصل های مصوب و نظرات صاحب نظران مرتبط با رشته، درصدد تألیف این کتاب برآمدم. ضرورت تألیف و همچنین پیش نویس کتاب، پس از بررسی در شوراهای متعدد از جمله شورای پژوهش دانشگاه، تصویب گردید و به تبع آن، با کمک همکارم خانم عاطفه ذبیحی که حقوقدان و دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع) هستند تألیف این اثر را آغاز نمودیم. این کتاب جهت تدریس در کلیه رشته های مرتبط با حوزه زنان و خانواده اعم از حقوق خانواده، مطالعات زنان و مطالعات خانواده قابلیت ارائه دارد. در این اثر غرب را در دو بخش بررسی شده است: ۱- نظریه پردازان غربی و اندیشمندان غرب و ۲- همچنین مکاتب تأثیرگذار در تقنین و فلسفه حقوق خانواده در نظام های غربی مانند فمینیسم ضمناً در انتهای هر درس نیز منابع تخصصی آن درس معرفی شده که استاد تدریس کننده و دانش پژوهان می توانند جهت مطالعه بیشتر مراجعه فرمایند. در انتها وظیفه خود می دانیم از مساعدت های مسئولین دست اندرکار و راهنمایی های علمی استاد فرزانه جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم نقیعی تشکر و تقدیر نمایم. اجرکم عندالله

اللهم وفقنا لما تحب وترضى

دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی

تایستان ۱۳۹۶

بخش نخست:

مبانی حقوق خانواده در غرب

به منظور دستیابی به هدف نهایی این اثر که بررسی تبعات و پیامدهای مبانی فکری غربی بر شکل‌گیری ساختار نظام حقوقی این کشورهاست؛ لازم است این مبانی فکری و ایدئولوژی‌هایی که ساختار حقوق کشورهای غربی بر پایه آن استوار گردیده، مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. این مبانی که حاصل تجربیات بشری در گذر زمان است؛ به تبع موقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی نظریه‌پردازان هر دوره و در بستر بحران‌های اجتماعی و جهت‌گیری‌ها و رویکردهای سرمداران و حاکمان هر دوره شکل می‌گیرد. بنابراین طراحان سیستم‌های حقوقی، در ترسیم این نظام‌ها نمی‌توانند فارغ از بنیان‌های فکری و فلسفی پیشینیان خود و نیز جریان‌های فکری حاکم بر زمان خویش دست به اقدام زنند؛ چرا که غفلت از آن‌ها نتیجه‌ای جز شکل‌گیری انبوهی از قوانین نخواهد داشت که به دلیل فاصله داشتن از فضای حاکم بر جامعه از سوی شهروندان و حتی عوامل قضایی و اجرایی حکومتی مطرود مانده و در حوزه قوانین متروک قرار می‌گیرد. از این رو، بخش حاضر در راستای تبیین مبانی نظام حقوق خانواده در غرب، ابتدا جایگاه و منزلت انسانی زن و مرد در ادوار مختلف تاریخی را تبیین نموده؛ سپس دیدگاه‌های اندیشمندان برجسته غرب در ارتباط با حقوق زن و مرد در مقابل یکدیگر و

نگرش آن‌ها به نهاد خانواده و کارکردهای آن را تبیین می‌نماید. افلاطون، ارسطو، روسو، کانت و نیچه متفکرانی هستند که دیدگاه‌های آن‌ها در فصل نخست بررسی خواهد شد.

در فصل دوم مبانی و ایدئولوژی‌های فکری کشورهای غربی در نگرش به خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنیان‌های فکری که در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد، مکاتب فمینیسم، اومانیزم، سکولاریسم، نسبیت‌گرایی، فردگرایی، و لیبرالیسم است. بررسی جایگاه و نقش زن و مرد در این مکاتب می‌تواند روشنگر مبانی نظام حقوق خانواده در این کشورها باشد.

در میان این ایدئولوژی‌ها و مبانی فکری، جریان فمینیسم که در جهت احقاق حقوق از دست رفته و سرکوب شده زنان در تاریخ این جوامع فعالیت‌هایی گسترده را در برهه‌های زمانی مختلف بنیان نهاده و تغییر و دگرگونی در جامعه به همراه آورده است؛ ایفاگر نقشی مهم در ساختار بخشیدن به نظام‌های حقوقی کشورهای غربی به شمار می‌رود. بدین لحاظ فصل سوم بخش حاضر، به بررسی فراز و فرود فعالیت‌های فمینیستی در جهت بازتعریف مفهوم خانواده و احقاق حقوق زنان در برابر مردان می‌پردازد. در این راستا، نظریات و مطالبات فمینیستی در موج‌های سه‌گانه فمینیسم و گرایش‌ات عمده و آموزه‌های این جنبش مورد توجه قرار گرفته است.

فصل نخست:

منزلت و ماهیت حقوق انسانی زن و مرد و کارکرد خانواده در اندیشه متفکران غربی

در مسیر تبیین مبانی حقوق خانواده در جوامع غربی، توجه به دیدگاه متفکران غربی در دوره‌های مختلف تاریخی نسبت به جایگاه، منزلت و ماهیت حقوقی که این اندیشمندان برای هر یک از زن و مرد در عصر خویش ترسیم نموده‌اند و نقشی که هر یک از این دو جنس در تقابل یکدیگر در نهاد خانواده بر عهده داشته‌اند، می‌تواند تغییر نگرش آحاد جامعه را روشن‌تر سازد.

از سوی دیگر، هر یک از این اندیشمندان خود از منزلت و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای در فرهنگ خود برخوردارند که جنبش‌های احقاق حقوق زنان در برهه‌های مختلف به‌منظور کسب اعتبار در سطح جامعه، مترصد همسو قلمداد نمودن تفکرات هر یک از آن‌ها با عقاید و آرمان‌های مکتب خود بوده‌اند. از این رو، بررسی پیشینه فکری و آراء نظریه‌پردازان برجسته در جوامع غربی نسبت به خانواده و جایگاه زن و مرد در این نهاد می‌تواند در شفاف‌سازی جهت‌گیری نظام‌های حقوقی حاکم بر این کشورها راهگشا باشد. فصل حاضر این رویکرد را در دو بازه زمانی قبل و بعد از رنسانس مورد توجه قرار داده است. لازم به‌ذکر است که نظریات رهبران و فعالان حوزه فمینیسم در فصل‌های آتی و به مقتضای تبیین گرایش‌ها و آموزه‌های جنبش فمینیسم مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

بررسی سیر تطور تاریخی حقوق انسانی زن و مرد در جوامع غربی

مفهوم خانواده در طول تاریخ کشورهای غربی به تبع تغییر نگرش به جایگاه انسانی و اجتماعی زن و مرد و نوع رابطه ایشان در کانون خانواده با تغییراتی همراه بوده است؛ از این رو، شناخت نقش زن در خانواده و جامعه در برهه‌های مختلف زمانی می‌تواند مفهوم خانواده را روشن‌تر نماید؛ اما نگاهی گذرا به تاریخ ملت‌های روزگاران پیشین و کاوش در رویدادهای اجتماعی، نگرش‌ها و رفتارهای آنان نسبت به زن، ما را به این واقعیت تلخ رهنمون می‌سازد که حتی در جوامع متمدن آن روزگار، زنان از بسیاری از حقوق مادی و معنوی محروم بودند.

در یونان باستان، برخی زنان را پلیدتر و خوارتر از همه حیوانات شمرده و حتی زن را موجودی پاک نشدنی و از سلاله شیطان می‌پنداشتند. زن به مثابه «شیئی قابل تملک و عنصر توالد و ارضای شهوات»، شریک مرد و واجد قوای کامل بشری دانسته نمی‌شد و از هر کاری جز خدمتکاری و ارضای غرایز جنسی مرد، منع می‌گشت.^۱ در اسطوره‌های یونانی زنی خیالی به نام پاندورا^۲ سرچشمه بدبختی‌ها و مصائب دانسته شده و زن در همه ابعاد زندگی ذلیل و پست انگاشته می‌شد. سقراط،^۳ سلوک با زن را نوعی زجر و ریاضت خوانده و معتقد بود؛ درحالی‌که پسران یک خانواده به مدرسه می‌روند و علوم مختلف می‌آموزند، دختران باید در منزل مانده و خدمات داخل منزل را انجام دهند.^۴ این فیلسوف بزرگ یونانی حتی وجود زن را بزرگ‌ترین عامل انحطاط بشریت معرفی نموده است.^۵ فیثاغورث^۶ دیگر اندیشمند یونانی معتقد بود اصلی مطلوب وجود دارد که نظم، نور و مرد را آفریده است و اصلی نامطلوب که آشوب، تیرگی و زن را آفریده است.^۷ بنابراین در یونان قدیم زن وجود مستقلی در منظر قانون

۱. کاظم‌زاده، علی، *تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران (مبانی و مصادیق)*، تهران، میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲، ص ۳۸.

2. Pinndora

3. Socrates

۴. فضل‌الله، مریم نورالدین، *المرأه فی ظلل الاسلام*، بیروت، دارالزهراء، چاپ چهارم، ۱۴۰۵، ص ۲۵.

۵. بنوات، گری، *زنان از دید مردان*، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران، جامی، ۱۳۷۷، ص ۸.

6. Pythagoras

7. There is a good principle which created order, light, and man, and an evil principle which created chaos, darkness, and woman: Morgan, Robin, *Sisterhood Is Powerful: An Anthology of Writings from the Women's Liberation Movement*, Random House, 1970, p.31.